

تحلیل و بررسی جایگاه سازمان اوپک طی سال‌های آینده بر بازار نفت

مهری شکاری^۱

این مطالعه به بررسی ساختار آینده سازمان اوپک با مطالعه وضعیت کنونی نیروهای موجود در این سازمان و تاثیر بر ایند این نیروها بر عملکرد سازمان و تجزیه و تحلیل توان فعلی اعضای آن از جهات مختلف اقتصادی و سیاسی می‌پردازد. در این پژوهش با توجه به شرایط و توان تولید اعضا و اهمیت افزایش وابستگی به تولیدات اوپک در سال‌های آینده با تحلیل سیاست‌ها و جایگاه فعلی این سازمان به بررسی موقعیت سازمان اوپک در سه جریان تقویت، انحلال و ادامه روند می‌پردازد و شرایط تحقق هر سه حالت را برای آینده اوپک بیان و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که بزودی به دلیل کاهش تولیدات غیر اوپک و افزایش وابستگی به تولیدات اوپک، این سازمان می‌بایست برنامه‌های گسترش سطح تولیدات و همچنین برای بهره‌مندی بیشتر اعضا از قیمت‌های بالاتر می‌بایست قدرت تأثیرگذاری سیاست‌های سازمان اوپک بر بازار نفت طی سال‌های آینده با شدت بیشتری اعمال گردد.

واژه‌های کلیدی: اوپک، عوامل درونی، بازار نفت، امنیت، قیمت نفت، ذخایر، تولید، ظرفیت مازاد، سازمان، ذخایر استراتژیک، عرضه، تقاضا.

۱. مقدمه

سازمان اوپک^۲ در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰ به ابتکار ونزوئلا تشکیل شد. از آغاز تاسیس اوپک به ویژه پس از افزایش قیمت نفت خام در سال ۱۹۷۴ همواره این موضوع برای کارشناسان نفتی مطرح بود که آیا اوپک ابزارهای مناسبی برای هدایت بحران‌های حاصل از تغییرات قیمت نفت را در اختیار دارد؟ عملکرد سازمان اوپک طی دو دهه اخیر به ویژه در سال‌های پس از ۱۹۷۹ (پيروزی انقلاب اسلامی) نشان می‌دهد که این سازمان به رغم اختلافات درونی و عدم توافق کامل سیاسی میان اعضا مانند یک

۱. کارشناس ارشد علوم اقتصادی.

mehrishekari@yahoo.com & mehri-12-mj@gmail.com

1. OPEC Organization Petroleum Exporting Countries

سازمان اقتصادی-سیاسی از موفقترین سازمان‌های مشابه در کشورهای جهان سوم و غیرمتعهد بوده است.

در این مطالعه برای دستیابی به یک چشم‌انداز وسیعتر از تحولات و سرنوشت سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، ابتدا وضعیت کنونی نیروهای موجود در اوپک و گرایش‌های مختلف آن در سازمان و نیز توان فعلی این سازمان از لحاظ اقتصادی و سیاسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و سپس، با شرح تغییرات و تاثیرات متغیرهای مختلف از چگونگی و روند تحول این سازمان به نتیجه‌گیری از آینده این سازمان خواهیم پرداخت.

مسائلی که اوپک را در دهه گذشته در معرض خطر قرار دادند و به عنوان دشمنان اصلی آن محسوب شده‌اند عبارتند از:

۱. پیشرفت تکنولوژی در عملیات نفتی شامل مباحث اکتشاف، استخراج و تولید
۲. پیشرفت تکنولوژی سوخت شامل مباحث افزایش بهره‌وری و صرفه‌جویی
۳. گسترش فعالیت‌های کشورهای با اقتصاد متمرکز (سوسیالیستی) در بازارهای بین‌المللی نفت به عنوان صادرکننده عمده نفتی
۴. ورود کشورهای تولیدکننده نفتی غیراوپک به عنوان تعیین‌کننده اصلی قیمت در بازار بین‌المللی نفت

۵. جانشین شدن انرژی‌های دیگر به جای سوخت‌های نفتی

این موارد ازجمله عمده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رفتار اوپک است که می‌بایست در سیاستگذاری‌های این سازمان مورد توجه قرار گیرد. در این مطالعه بابررسی عوامل فوق برای پژوهش و پیش‌نگری در خصوص آینده سازمان اوپک، تاثیر جریانات و عوامل مختلف تأثیرگذار بر سرنوشت سازمان در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

پیش‌بینی این موضوع که آیا مبانی تشکیل سازمان می‌بایست تغییر کند و الزامات و امکانات جدید و یا متفاوتی برای تشکیل سازمان نوینی که اجرای وظایف کنونی را نیز به عهده بگیرد پدید آمده است و یا سازمان کنونی می‌تواند گسترش یابد و یا در وضعیت فعلی خود باقی بماند، از جریانات تأثیرگذار برای بررسی جایگاه این سازمان در آینده است.

در بخش اول این مطالعه، علل عدم تجانس ساختاری بین اعضای اوپک را مورد بحث قرار می‌دهیم و در بخش دوم با بررسی آثار متغیرهای خارجی و درونی و شرح و تفسیر آثار این متغیرها

۱. در این تقسیم‌بندی تنها جهات اقتصادی و تکنولوژیک مطرح شده است.

می‌پردازیم. در بخش سوم، نگاهی بر ساختار آینده اوپک بر بازار نفت داریم و نهایتاً، به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد می‌پردازیم.

۲. عدم تجانس ویژگی‌های ساختاری کشورهای عضو^۱

از جمله گرایش‌های مختلف و نیروهای فعال در اوپک که موجب انسجام و یا انحلال این سازمان می‌شوند می‌بایست دو خط عمده را عنوان کرد. برخی از اعضای این سازمان دارای جمعیت به نسبت زیاد و منابع نفتی محدودی هستند که نیجریه، اندونزی و الجزایر در این گروه قرار می‌گیرند. در مقابل، کشورهایی نیز وجود دارند که کم جمعیتند و منابع نفتی قابل ملاحظه‌ای دارند که عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و قطر را می‌توان در این گروه قرار داد (درخشان، ۱۳۸۱).

بدیهی است این کشورها به دلیل مسائل بنیانی متفاوت، اهداف نفتی مختلفی را دنبال می‌کنند و استراتژی‌های متمایزی را در نظر دارند. گروه نخست واقف است که پس از اتمام و یا تقلیل منابع خود نمی‌تواند نقشی در یک سازمان مرکب از صادرکنندگان نفت داشته باشد و در شرایط کنونی نیز می‌بایست نفت محدود خود را به بالاترین قیمت بفروشد. این گروه، سازمان اوپک را به عنوان تعیین‌کننده قیمت‌های بالاتر و تداوم بخش عرضه در بازار جهانی می‌داند. گروه دوم، به افق‌های دورتر می‌نگرد و این توانایی را دارد که از منافع امروز برای تأمین منافع بیشتر فردا چشم‌پوشی کند و بروز کشمکش‌هایی را در بازار تحمل نماید.

این افتراق در دیدگاه‌ها طی دهه اخیر بیش از گذشته نمایان شده است زیرا از یک سو نیازهای مالی کشورهای صادرکننده افزایش یافته است و از سوی دیگر، پیشرفت‌های تکنولوژیک موجب می‌شود تا دستیابی به منابع جدید انرژی و یا استحصال ارزان‌تر انرژی‌های اولیه به سرعت افزایش یابد. در نتیجه، بروز این نگرانی که نفت در آینده نزدیک نفت به سرنوشت زغال‌سنگ دچار شود اجتناب‌ناپذیر است و نه تنها این عنصر مهم از فهرست کالاهای استراتژیک و حیاتی حذف می‌شود، بلکه ارزش ذخایر عظیم کنونی به قدری تقلیل می‌یابد که استخراج آن نیز به صرفه نخواهد بود. با توجه به موارد یاد شده، ایجاد هماهنگی بین اعضای اوپک در این مقطع زمانی با موانع متعددی (با توجه به عمر ذخایر و تولید فعلی) مواجه است.

با کاهش تولید کشورهای عمده صنعتی (مانند آمریکا)، کشورهایی که توانایی تولید چند برابر را دارند (و اغلب عضو اوپک هستند) به تولید بیشتر اقدام می‌کنند و با توجه به اینکه کشورهایی که

۱. بحران نفتی آینده، فریدون برکشلی

طی دو دهه آینده قادر به تولید بیشتر هستند مکزیکی، نروژ و تونس خواهند بود- که مکزیکی و نروژ ظرفیت افزایش تولید فعلی خود را ندارند و صرف هزینه زیادی برای افزایش ظرفیت آنان لازم است - بنابراین، تأمین تقاضای جدید در بازار تا قرن آینده به عهده کشورهای عضو اوپک خواهد بود.

به نظر می‌رسد که کشورهای صنعتی غربی در بین کشورهای با برنامه‌ریزی متمرکز توانسته‌اند از طریق کشورهای دوست یا وابسته بین اعضای اوپک پایگاه‌هایی در این سازمان به دست آورند و تأثیراتی را نیز بر روند فعالیت‌های آن بر جای بگذارند. بدیهی است که توسعه شکاف بین اعضا می‌تواند نفوذپذیری سیاست‌های آن را کم کند و نقش سازمان را در اداره بازار نفت کاهش دهد.

۳. متغیرهای مؤثر خارجی و درونی

در یک دیدگاه میان‌مدت یکی از حالت‌های زیر برای آینده سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) قابل پیش‌بینی است:

- وحدت بیشتر بین اعضا، عضویت کشورهای جدید و تقویت موضع این سازمان در صحنه بین‌المللی

- بروز تضاد بیشتر در بین اعضا، خروج برخی از کشورها و تضعیف سازمان در حد یک سازمان برقرارکننده برخی تماس‌ها بین کشورهای عضو و کشورهای خواهان نفت و صادرکنندگان غیر اوپک

- تجزیه سازمان به چند سازمان مختلف منطقه‌ای که هر یک از این سازمان‌ها برخی یا تمام اهداف اوپک را تعقیب می‌کنند

مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در تحول سازمان اوپک در آینده را می‌توان به این شرح عنوان کرد:

۱. عوامل سیاسی

۲. عوامل اقتصادی (عرضه و تقاضا)

۳. امنیت صدور نفت

۴. روند تحول قیمت‌های نفت در بازار جهانی

۵. عوامل فرهنگی (از جمله اعتقادات ایدئولوژیک و مذهبی و تحولات آن در مناطق نفت‌خیز)

۶. چگونگی کشف منابع جدید انرژی به ویژه نفت و گاز

۷. چگونگی تحولات تکنولوژیک

۸. تحولات تولید کشورهای غیر اوپک و چگونگی همکاری با اوپک

۹. تغییرات در ظرفیت های مازاد تولید در کشورهای عضو اوپک

۳-۱. عوامل سیاسی

براساس برآوردها و محاسبات انجام شده بیشترین ذخایر کشف شده نفتی در گذشته، حال و آینده در منطقه خاورمیانه قرار دارد. جدول (۱)، موضوع سطح ذخایر اثبات شده دنیا طی سالهای (۲۰۰۱-۲۰۰۰) را به وضوح برای سازمان اوپک و اعضای خاورمیانه آن نشان می دهد. ستون آخر این جدول، سهم خاورمیانه در سال ۲۰۰۸ را معادل ۵۹/۹ درصد اعلام می کند و برای کل اوپک، ۷۶ درصد از کل ذخایر دنیا در سال ۲۰۰۸ را اعلام می کند که در مقایسه با سهم دیگر مناطق دنیا از بالاترین میزان برخوردار است و در عین حال اختلاف بسیار زیادی نیز با دیگر مناطق دنیا دارد که تأکیدی برای پذیرش این ادعا است.

جدول ۱. سطح ذخایر اثبات شده کل دنیا طی سالهای (۲۰۰۱-۲۰۰۰)

	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	درصد سهم در سال ۲۰۰۸
کل خاورمیانه	۶۹۲/۹	۶۹۸/۷	۷۳۰/۶	۷۴۶/۳	۷۵۰/۲	۷۵۴/۵	۷۵۶/۳	۷۵۵	۷۵۴/۱	۵۹/۹
کل جهان	۱۱۰۴/۵	۱۱۳۳	۱۱۸۰	۱۲۰۶/۳	۱۲۱۱/۳	۱۲۲۰/۳	۱۲۴۰/۶	۱۲۶۱	۱۲۵۸	۱۰۰
کشورهای توسعه یافته صنعتی	۹۳/۳	۹۱/۶	۸۸/۴	۸۴/۶	۸۱/۹	۸۱/۸	۸۹/۵	۹۰/۳	۸۸/۹	۷/۱
اوپک	۸۵۱	۸۶۰/۷	۸۹۷/۳	۹۱۷/۴	۹۲۳/۳	۹۳۰/۹	۹۴۰	۹۵۷/۱	۹۵۵/۸	۷۶
غیراوپک	۱۶۵۸	۱۶۵/۱	۱۶۰/۳	۱۶۳/۱	۱۶۲/۸	۱۶۳/۱	۱۷۲/۸	۱۷۴/۷	۱۷۴/۴	۱۳/۹

مأخذ: نتایج تحقیق.

از این رو، منطقه خاورمیانه به دلیل داشتن بالاترین سطح ذخایر نفت دنیا از دیرباز تحت تأثیر تحولات سیاسی قرار داشته. بنابراین، اثر این تحولات به طور مستقیم بر مسائل تولید، عرضه و قیمت نفت در بازار جهانی بسیار تأثیرگذار بوده است.

پس از جنگ اعراب و اسرائیل (۱۹۷۳) و تحریم نفتی اعراب^۱ و افزایش قیمت نفت به صورت جهشی در فاصله سالهای (۱۹۷۴-۱۹۷۸)، قیمت های نفت روندی متعادل را نشان می دهد. با آغاز انقلاب اسلامی در ایران و پیروزی آن در سال ۱۹۷۹، روند صعودی قیمت نفت آغاز شد و با جهش

۱. این تحریم ابتدا از جانب کشورهای عضو سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت (OAPEC) نسبت به تعدادی از کشورهای غربی از جمله ایالات متحده امریکا برقرار شد که عرضه نفت در بازارهای جهانی حدود ۳ تا ۴ میلیون بشکه کاهش یافت.

در سطحی به مراتب بیشتر از رشد تورم، کاهش نرخ برابری دلار و کاهش قدرت خرید کشورهای جهان سوم را موجب شده است که حاکی از تأثیر عمده عوامل سیاسی (بدون احتساب عوامل اقتصادی) بر قیمت نفت است.

در سال‌های پس از ۱۹۷۹، مسیر تحولات قیمت تحت تأثیر عوامل اقتصادی (مانند رشد اقتصادی، رشد مصرف انرژی در جهان) قرار داشت و آثاری در جهت کاهش قیمت‌های نفت به صورت پلکانی و تدریجی بر جای گذاشته است.

تحولات قیمت نفت و سقوط قیمت‌ها در سال ۱۹۸۶ نیز معلول عوامل سیاسی است به این صورت که این بار تشنج سیاسی و اختلافات عقیدتی به صورت تحمیل شده از جهان خارج به صورت مستقیم به درون اوپک سرایت کرده و به صورت عوامل سیاسی درونی نمایان شده است و به همین دلیل تحت تأثیر این پدیده مهم قیمت نفت ناگهان در قالب به دست آوردن سهم مناسب از بازار نفت سقوط کرد. سقوط شدید قیمت‌ها در سال ۱۹۹۹ نیز بیشتر تحت تأثیر جریان‌های اقتصادی از جمله بحران مالی آسیا بود که اوپک در این دوره، ۱۰ درصد سهمیه تولیدی اعضا را افزایش داد. در پی این کاهش مجدداً اوپک با بکارگیری سیاست کاهش ۴/۲ میلیون بشکه در تولیدات، از سقوط قیمت‌ها جلوگیری کرد. حمله به برج‌های دوقلو در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، زمینه کاهش قیمت‌ها و نزول آنها را فراهم ساخت که این کاهش در پس جریان‌های سیاسی بازار بود و سپس، مجدد با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ با هدف کنترل ذخایر نفت این کشور، روند صعودی قیمت‌های نفت آغاز شد. در بررسی علل بروز شوک‌های پیش، بازار نفت نقش عوامل سیاسی و اقتصادی را می‌توان به وضوح تشخیص داد به گونه‌ای که تأثیر عوامل سیاسی در برابر برخی از این شوک‌ها بیشتر است و در برخی دیگر، عوامل اقتصادی نقش بیشتری دارند. اما، نکته قابل توجه این است که شوک‌های ناشی از جریان‌های سیاسی، نوسان‌های بیشتری را نسبت به شوک‌های ایجاد شده تحت تأثیر عوامل اقتصادی بر بازار ایجاد کرده‌اند.

با توجه به اینکه توانایی‌های سازمان برای انجام برخی مانورهای سیاسی در مقاطعی از تاریخ حیات این سازمان عمدتاً به واسطه سهم بسیاری است که از بازار جهانی نفت در دست دارد و به این دلیل که کشمکش‌ها و مناقشات سیاسی بین اعضا نیز طی سال‌های اخیر افزایش یافته بنابراین، توانایی کنترل سازمان را نیز مورد تهدید قرار می‌دهد. بنابراین، ادامه روند فعلی می‌تواند فعالیت‌های سازمان را در سال‌های آینده به میزان زیادی کاهش دهد. به این جهت، روابط کشورهای عضو با یکدیگر (در مناطق مختلف جغرافیایی) و تقویت منافع منطقه‌ای آنان نیز می‌تواند منجر به تحکیم

پیوندهای موجود بین اعضا و گرایش به ورود کشورهای دیگر به درون سازمان شود و در آینده باعث تقویت موضع و بالا بردن حیثیت و اهمیت این سازمان در آنچه در ابتدای تشکیل اوپک می‌توانست موجب تحکیم پیوندهای میان اعضای آن سازمان شود و تقویت مبانی اولیه‌ای که سازمان بر اساس آن تشکیل شده است. همان گونه که شرح داده شد، پیدایش سازمان اوپک براساس انگیزه‌های اقتصادی کشورهای تشکیل‌دهنده این سازمان بود که بعدها اعضای دیگر نیز این مبانی را پذیرفتند.

۳-۲. عوامل اقتصادی

در حال حاضر از دیدگاه اقتصادی سازمان اوپک که زمانی به‌عنوان «کارتل» مرکب از تولیدکنندگان در بازار بین‌المللی عمل می‌کرد به مجموعه‌ای از کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده تبدیل شده است و بالا رفتن مصرف اعضا در حقیقت قدرت اقتصادی و چارچوب عملکرد آنان را در بازار محدود می‌کرد نیازمندی آنان را به استفاده از این منبع انرژی افزایش داده است. این تحول و برخی عوامل دیگر موجب شد تا بازار تحت کنترل تولیدکنندگان به بازار تحت کنترل مصرف‌کنندگان به‌ویژه کشورهای صنعتی که حافظ منافع و هماهنگی‌کننده فعالیت‌های مصرف‌کنندگان برای حفظ سلطه بر بازار انرژی^۱ هستند، تغییر کند.

با توجه به موارد یاد شده، سازمان اوپک می‌تواند تحت فشارهای محدودکننده در بازار و عوامل دیگر تضعیف شود و برخی اعضا از آن خارج شوند. به طور قطع، بروز چنین عواملی قدرت اقتصادی سازمان را محدود می‌کند و از این رو هماهنگی و تبانی بین اعضا و مدیریت و روابط بین آنها از سوی اوپک از جمله ابزار توفیق سیاستگذاری‌های اوپک خواهد بود.

۳-۳. ظرفیت‌های مازاد تولید و آثار آن بر بازار نفت

پیش از شوک دوم و در جریان آن در سال ۱۹۷۹ به دلیل سیاست‌های صرفه‌جویی و نیز بکارگیری انرژی‌های جانشین شونده (به دلیل قیمت بالای نفت و اقتصادی شدن بهره‌گیری از برخی انرژی‌های دیگر) و کاهش رشد مصرف انرژی به تدریج قدرت جذب عرضه در بازار نفت کاهش یافت و کشورها تولید خود را کاهش دادند. سازمان اوپک نیز برای کنترل قیمت‌ها به برقراری سهمیه‌بندی برای اعضا اقدام کرد به گونه‌ای که در سال ۱۹۸۶، کشورهای عضو اوپک از ۴۰-۳۰ درصد کمتر از ظرفیت تولیدی خود بهره‌برداری کرده‌اند. عربستان سعودی نیز به‌عنوان تولیدکننده نهایی عمل می‌کند

۱. عموماً این هماهنگی‌ها از طریق آژانس بین‌المللی انرژی (International Energy Agency) انجام می‌گیرد.

و تولید خود را براساس وضعیت بازار و در جهت حفظ قیمت‌های نفت در سطح فعلی تنظیم می‌کند. بکارگیری این سیاست، زمینه ایجاد ظرفیت مازاد تولید را برای اعضا فراهم ساخت. ظرفیت‌های مازاد تولید از جمله عمده‌ترین ابزار برای رفع عدم تعادل‌های کوتاه مدت بازار نفت در اختیار اوپک است و یکی از عمده‌ترین دلایل افزایش قیمت‌ها در سال‌های اخیر نیز کاهش شدید ظرفیت‌های مازاد تولید اعلام شده است و انتظار می‌رود در سال‌های اخیر با ادامه رشد تقاضا، قیمت ۲۰۰ دلار برای هر بشکه نفت نیز قابل پیش‌بینی باشد. ظرفیت‌های مازاد تولید، عامل ایجاد کننده امنیت روانی بازار نفت است که فقدان آن مانند سال‌های اخیر زمینه افزایش قیمت‌ها را به دلیل افزایش نگرانی از کمبود عرضه در برابر تقاضا برای مقابله با خروج‌های ناگهانی عرضه نفت از بازار ایجاد می‌نماید (شکاری، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر، کشورهای صنعتی غرب و ژاپن نزدیک به چهارماه مصرفشان را به عنوان ذخیره استراتژیک نفت دارند که در مخازن مختلف زیر زمینی و دریایی نگهداری می‌کنند. سطح ذخایر استراتژیک تأثیر بسیاری بر تصمیم‌گیری اعضای اوپک برای نگهداری ظرفیت‌های مازاد تولید دارد. هر دو متغیر ظرفیت‌های مازاد تولید و ذخایر استراتژیک، ابزار کنترل عرضه در برابر رشد تقاضا برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها می‌باشند. بررسی سیاست‌های اعضای اوپک در تعیین سطح ظرفیت‌های مازاد تولید و سیاست‌های آژانس انرژی برای تعیین ذخایر (SPR)^۱ می‌تواند موضوع مطالعات بعدی قرار گیرد. اما، وجود ظرفیت‌های مازاد تولید برای بازار نفت به دلیل نااطمینانی‌های رایج در آن ضروری است و ابزاری برای کنترل بازار در برابر خروج‌های ناگهانی عرضه قرار دارد که فقدان آن منجر به از میان رفتن تعادل روانی بازار و گسترش نگرانی‌ها از کمبود عرضه در آینده می‌شود.

۳-۴. روند تحول قیمت‌های نفت در بازار جهانی

پیش‌بینی می‌شود در آینده، قیمت نفت به‌عنوان یکی از متغیرهای مؤثر در سرنوشت سازمان اوپک مطرح شود به این دلیل که قیمت این کالا از جهت اقتصادی مانند برخی کالاها در بازار تنها متأثر از عرضه و تقاضایش نیست بلکه عوامل دیگری مانند عوامل سیاسی و روانی نیز در تحولات و نوسان‌های قیمت‌های آن بسیار مؤثر است.^۲ بدیهی است برخی از این نوسان‌ها که به دلیل بروز

1. Strategic Petroleum Reserve

۱. تغییر احمد زکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی در سال ۱۹۸۶، از قیمت‌های نفت در بازار بین‌المللی تا یک دلار در هر بشکه است.

تردید در بازار نفت و یا احتمال وقوع حوادث و یا تحولاتی سیاسی در یک کشور و یا منطقه پدید می‌آید گذرا است و نمی‌تواند در مکانیزم‌های اصلی قیمت‌گذاری بازار آثار مستمری بر جای گذارد، اما به هر حال در جریان این نوسان‌ها علاوه بر اینکه میلیون‌ها دلار اختلاف در قیمت‌ها به جیب تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به ویژه دلان سرازیر می‌شود گاه آثار میان‌مدتی نیز بر روند قیمت‌ها و پیش‌بینی‌های عرضه و تقاضا دارد. به همین لحاظ همواره در بازار بین‌المللی نفت این موضوع بین گروه‌هایی از کشورهای تولیدکننده نفت و در سازمان اوپک مطرح بوده است که کدام یک از روش‌های زیر را می‌بایست برای تعیین قیمت مناسب درپیش گرفت؟

۱. تعیین قیمت را بر عهده عرضه و تقاضا در بازار گذاشت و با کنترل عرضه قیمت متناسب و مطلوب را که حداکثر منافع را برای اعضای اوپک کسب می‌نماید در بازار برقرار کرد.
۲. علاوه بر کنترل عرضه در بازار، قیمت را نیز تعیین کرد تا این دو عامل موجب کنترل یکدیگر شده و قیمت در بازار بین‌المللی نفت تثبیت شود.

بهره‌گیری از هر یک از این مکانیزم‌ها به عدم حضور تولیدکنندگان دیگر در این بازار بستگی دارد، زیرا تولیدکنندگان دیگری خود را موظف به پیروی از تصمیمات اوپک نمی‌دانند برای کسب منافع بیشتر می‌توانند بازار را مختل کنند. بنابراین، محاسبه میزان عرضه و حدود قیمت موضوعی بسیار پیچیده و وابسته به متغیرهای متعدد است. سازمان اوپک چندین مرتبه به تعیین قیمت نفت اقدام نمود که البته در دهه ۱۹۷۰ با توجه به تقاضای روزافزون بازار و نیز عدم ظرفیت مازاد تولید نیازی به تعیین سهمیه تولید وجود نداشت. هرچند که شوک نفتی ۱۹۷۹ به دلیل حفظ منافع اعضا و تثبیت قیمت به تعیین سهمیه بین اعضا و در نظر گرفتن سقفی برای تولید اوپک منجر شد. به این جهت، تعیین قیمت موضوعی بسیار پیچیده است اما، پیش‌بینی روند آن تأثیر بسزایی در تعیین عرضه برای آینده و کنترل عدم تعادل‌های آینده بازار نفت را دارد. با توجه به اینکه سیر تولید نزولی حوزه‌های تولیدی غیر اوپک آغاز شده و با توجه به رشد تقاضا در آینده انتظار می‌رود که افزایش وابستگی به تولیدات اوپک در آینده قطعی باشد و از این رو بروز شرایطی مانند شوک نفتی ۱۹۷۳ و انتظار افزایش قدرت اوپک بر تولیدات بازار و نظام قیمت‌گذاری نفت دور از انتظار نیست.

۳-۵. مکانیزم عرضه و تقاضا و روند تغییرات قیمت‌ها

با توجه به موضوعات مطرح شده، در صورتی که عوامل روانی در بازار نفت مورد توجه قرار نگیرد و تنها به چگونگی عرضه و تقاضا و روند آن توجه شود می‌توان به دیدگاه بلندمدتی از ثبات قیمت‌ها

و تثبیت وضعیت اوپک و نیز افزایش نقش این سازمان در بازار بین‌المللی نفت دست یافت. در این بازار اگرچه مکانیزم‌های موجود اعم از عرضه و تقاضا و عوامل دیگر (مانند کاربرد ذخایر استراتژیک، شرایط بازار نفت از جهت روانی و اطمینان از ثبات بازار) به گونه‌ای عمل کنند که اوپک بتواند ضمن اعاده تدریجی سهم گذشته خود در بازار سال ۱۹۷۹ قیمت‌های نفت خام را از سطح کنونی مطابق با نرخ تورم جهانی افزایش دهد، توانایی‌های اوپک این سازمان را به یک اهرم اقتصادی مهم در بازار بین‌المللی تبدیل می‌کند. در این شرایط سازمان قدرت لازم برای کنترل بازار و افزایش نفوذ اقتصادی خود از لحاظ عضوگیری جدید و فعالیت بیشتر جهت کسب حداکثر منافع اعضا را به دست می‌آورد.

موضوعی که اغلب صاحب‌نظران امور انرژی در مورد آن تردید دارند این است که سازمان اوپک بتواند با یک بحران نفتی دیگر مانند سال ۱۹۸۶ که قیمت نفت را به سطحی کمتر از $\frac{1}{3}$ رسانده بود، مقابله کند و انسجام و کارایی خود را حفظ نماید، زیرا عوامل اقتصادی و سیاسی که موجب سقوط قیمت‌های نفت شد در حال حاضر نیز به صورت بالقوه وجود دارد. از سوی دیگر، چنانچه با افزایش بحران در خلیج فارس علاوه بر آسیب‌پذیری خطوط لوله نفت که نفت خام این منطقه را به خارج منتقل می‌سازد، در آینده قابلیت تولید و نیز اعتماد به نفس تولیدکنندگان با خطر جدی مواجه می‌شود و ممکن است قیمت‌ها به میزان غیرقابل پیش‌بینی افزایش یابد. در هر دو حالت و با توجه به شرایط عمومی تخصیص سیاسی در اوپک و جناح‌بندی‌های موجود در این سازمان که عمدتاً کارایی خود را در مقابله مؤثر با این نوسان‌ها به نمایش گذاشته است، روحیه دل‌سردی و سرخوردگی نسبت به عملکرد و آینده اوپک در بین اعضا به وجود خواهد آمد و این سازمان به صورت غیرفعال و تشریفاتی در انتظار شرایط مناسب‌تری برای آینده باقی خواهد ماند.

در رابطه با بروز وضعیت بحرانی برای قیمت‌های نفت که منجر به انحلال و تجزیه سازمان اوپک می‌شود می‌بایست یادآوری کرد که علاوه بر اختلاف منافع تولیدکنندگان، وابستگی کشورهای مختلف به نفت وارداتی نیز با یکدیگر متفاوت است. بنابراین، واکنش کشورهای مختلف به ویژه کشورهای صنعتی که واردکنندگان عمده نفت در جهان می‌باشند (به استثنای آن دسته از کشورهایی که منابع هیدروکربوری نسبتاً کافی دارند) در رابطه با تحولات شدید قیمت‌های نفت متفاوت خواهد بود.

در صورتی که قیمت‌ها به صورت تدریجی و براساس منطق بازار افزایش یابد، بیشترین منافع را برای اعضای اوپک در پی خواهد داشت و کشورهای عضو با استفاده از ثبات بازار و سیر قیمت‌ها

نسبت به تأمین منافع آتی خود از طریق سازمان اوپک اقدام نمایند و برای این مجمع ارزش بیشتری قائل شوند. اما، افزایش شدید قیمت‌ها که بی‌شک ناشی از عوامل غیر اقتصادی (مانند درگیری بین کشورهای خلیج فارس و تحولات سیاسی وسیع در کشورهای عمده نفت‌خیز مانند عربستان سعودی) است نمی‌تواند یک روند سالم تحول قیمت‌ها تلقی شود و تبعات نامطلوب مختلفی را در پیش دارد. در این شرایط، برخی از کشورهای عضو که نیازهای مالی بیشتری دارند به عرضه بیشتر نفت می‌پردازند و بازار را در جهت اشباع بیشتر سوق می‌دهند و خریداران نفت نیز به دلیل نگرانی از افزایش سریع قیمت‌ها بر خریدهای خود می‌افزایند. واضح است که این سیر تحولی به دلیل جوهر غیراقتصادی‌اش نمی‌تواند تداوم یابد و در نهایت، بر عدم تفاهم بیشتر میان اعضای اوپک و عدم کارایی بیشتر برای این سازمان بر جای خواهد ماند. اگرچه افزایش قیمت‌ها در شوک‌های اول و دوم نفتی اعضا را نسبت به عملکرد سازمان دلگرم ساخت، اما در شرایط کنونی این تحول نمی‌تواند در بلندمدت و میان‌مدت برای اعضا سودمند باشد، زیرا کشورهای صنعتی برای مقابله با صعود ناگهانی قیمت‌ها که می‌تواند زیان‌های غیرقابل جبرانی به اقتصادشان وارد سازد به مکانیزم‌هایی مانند دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته برای افزایش کارایی دست یافتند.

علاوه بر این، برخی از کشورهای صنعتی غرب (مانند انگلستان) که عرضه‌کنندگان عمده نفت هستند نمی‌توانند آسیب‌های اقتصادی ناشی از این نوسان‌ها در قیمت‌های نفت را با درآمد حاصل از بهای افزوده نفت جبران کنند و در نهایت بافت اقتصادی کشورهای مذکور با ناهماهنگی‌هایی مواجه خواهد شد. به این دلیل در جریان سقوط قیمت‌ها در سال ۱۹۸۶ و در شرایطی که قیمت‌های نفت در سطحی کمتر از ۱۰ دلار برای هر بشکه نفت قرار داشت، کشورهای عضو اوپک و سایر کشورهای دارنده نفت اعم از صنعتی و غیرصنعتی، تلاش‌های وسیعی برای افزایش بهای نفت در سطحی خاص^۱ انجام دادند.

آنچه در تحول قیمت‌های نفت نیازمند تلاشی از سوی سازمان اوپک است، بروز یک "جنگ قیمت‌ها" (مانند سال ۱۹۸۶) است. در این زمینه باید اذعان داشت که سیاست‌های برخی از کشورهای نفت‌خیز عمده (مانند عربستان سعودی) که از تئوری نفت ارزان و فروش انبوه دفاع می‌نمایند به واسطه زیان‌هایی که برای بسیاری از کشورهای صنعتی غرب در پی دارد و نیز با تلاش اعضای اوپک تحت کنترل درآمده است، اما این امکان نیز وجود دارد که در جریان یک فعل و

۱. قیمت هجده دلار برای هر بشکه که اکنون به اجرا درآمده است مورد پذیرش همه کشورهای صادرکننده و صنعتی است. تاکنون توجیه واضحی از چگونگی دستیابی تا این سطح مذکور برای پایه قیمت نفت ارائه نشده است (رجوع شود به پانوش شماره ۲۰).

انفعال سیاسی و یا یک تحول عمده تکنولوژیک که آینده بهره‌وری از نفت با قیمت‌های مطلوب را مورد تردید قرار دهد و یا نیازهای مالی فوری یک کشور در شرایط اضطراری چنین اقدامی را ایجاب نماید که با استفاده از ظرفیت مازاد تولید، نفت به میزانی بیش از تقاضا به بازار سرازیر شود و منجر به سقوط قیمت‌ها شود. در این شرایط، با پیوستن تولیدکنندگان عمده دیگر به این رویه، قیمت‌ها به سطحی نازل در چارچوب هزینه تولید آن در کشورهای مذکور تنزل خواهد کرد و سازمان اوپک به دلیل عدم کارایی و اختلافات درونی منحل خواهد شد.^۱

۳-۶. چگونگی پیشرفت تحولات تکنولوژیک

در حال حاضر با تکنولوژی کنونی و قیمت‌های فعلی نفت خام حداکثر تا ۳۰ درصد نفت خام در جای اولیه^۲ از منابع نفتی استخراج می‌شود. در دهه گذشته تلاش‌هایی برای استخراج حداکثر باقی‌مانده نفت خام در زیر زمین انجام شد تا بتوان باقی‌مانده نفت خام زیر زمین را با بخار آب یا مواد شیمیایی استخراج کرد^۳ که هزینه تولید آن با قیمت‌های کنونی نفت قابل رقابت نیست.

در صورتی که صنایع انرژی به تکنولوژی پیشرفته‌تری برای کشف و استخراج نفت (به‌ویژه استخراج از منابع شناخت‌شده فعلی) دست یابد، هزینه تولید هر واحد از نفت تولیدی در کشورهای خاورمیانه نیز کمتر از نفت تولیدی از مناطق دیگر خواهد بود. با این وجود کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای صنعتی غرب به دلیل حفظ مصالح ملی و تأمین امنیت انرژی خود نسبت به استخراج از منابع شناخته شده در کشورهایشان اقدام خواهند کرد و در این صورت با استفاده از ابزارهای اقتصادی و سیاسی که در اختیار دارند^۴ از نفوذ سازمان اوپک در بازار انرژی جلوگیری می‌کنند که در چنین شرایطی این سازمان نمی‌تواند از توانایی‌های خود و امکانات بازار به موقع و به نحو مطلوبی بهره‌برداری کند.

تکنولوژی نوین از یک سو امکانات استخراج را به نحوه وسیعی فراهم می‌کند و از سوی دیگر، تکنیک‌های پیشرفته و غیرمنتظره‌ای در رابطه با صرفه‌جویی مصرف انرژی به‌ویژه نفت پدید می‌آورد.

۱. براساس پیش‌بینی پیردسپری رئیس افتخاری انستیتو نفت فرانسه، با توجه به رشد تقاضا به میزان ۲ درصد تا سال ۱۹۹۵، سازمان اوپک تا ده سال دیگر قادر نیست تا به بازار نفت مسلط شود و قیمت‌ها نیز نمی‌تواند تحت کنترل این سازمان درآید، اما نظم نسبی توسط صادرکنندگان نفت حوزه خلیج فارس در بازار برقرار خواهد شد.

2. Oil in Place

3. Enhanced Oil Recovery (E.O.R)

۴. مانند آژانس بین‌المللی انرژی، وسایل ارتباط جمعی تخصص نفتی و فشار متحدان خود که در اوپک عضویت دارند.

در این صورت با سقوط تقاضا در بازار نفت، سازمان اوپک هدف نهایی خود را از دست داده و به دلیل کاهش تقاضای نفت این سازمان با داشتن بزرگترین ذخایر نفت دنیا، با کالای بدون مشتری یا با مشتری اندک مواجه می‌شود و در این شرایط، تجزیه و نابودی اوپک دور از انتظار نخواهد بود و چنین چشم‌اندازی برای سال‌های آینده که بهره‌برداری از انرژی‌های دیگر به سطح تجاری برسد و همچنین انرژی‌های جدید بتوانند جایگزین نفت شوند قابل انتظار است و در شرایط فعلی بازار چنین چشم‌اندازی دور از انتظار است.

۳-۷. تحولات تولید کشورهای غیر اوپک و چگونگی همکاری با اوپک

در حالی که نزدیک به ۵۰ درصد از انرژی مصرفی جهان به وسیله نفت تأمین می‌شود و $\frac{۲}{۳}$ ذخایر شناخته شده در کشورهای اوپک قرار دارد، این کشورها به دلیل عدم استراتژی بلندمدت از جهت ایجاد توازن میان قیمت و تولید و حداکثر کردن قیمت در مقابل تولید و اجرای سیاست‌های انفعالی این فرصت را به کشورهای غیر اوپک می‌دهند که نه تنها از لحاظ سیاسی بلکه به عنوان عامل اقتصادی وارد فعالیت‌های تولیدی و صادراتی شوند و ایفای این نقش از اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز و در اوایل دهه ۸۰ به حداکثر خود رسید، به گونه‌ای که این کشورها به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر و تعیین کننده در بازار در مقابل سازمان اوپک قرار گرفته‌اند.

باتوجه به اینکه کشورهای دیگر عضو اوپک به دلیل نیازهای حیاتی به درآمد نفت بر خلاف هزینه تولید پایین قادر به تحمل فشارهای ناشی از کاهش قیمت‌ها در اقتصادشان نیستند. از این رو نوعی همکاری غیر مستقیم بین کشورهای اوپک و غیر اوپک برقرار شد و قیمت در سطح حداقل هزینه تولید در کشورهای غیر اوپک (با در نظر گرفتن هزینه‌های ثابت سرمایه‌گذاری) است. بنابراین، در این حد از تعادل قیمت فقط تولیدکنندگان کنونی به فعالیت ادامه می‌دهند و سرمایه‌گذاری جدید در اکتشاف و استخراج به حداقل می‌رسد. در صورت ادامه چنین شرایطی، در دهه آینده به دلیل حجم اندک ذخایر کشف شده کشورهای غیر اوپک، این کشورها به تدریج از بازار خارج می‌شوند و با توجه به حجم زیاد ذخایر کشورهای اوپک، بازار در اختیار کشورهای اوپک قرار خواهد گرفت و این سازمان در جهت تقویت و تحکیم موضع خود در بازار نفت گام بر می‌دارد به‌ویژه همکاری‌هایی میان یکی از کشورهای غیر اوپک صادرکننده نفت (نروژ) و سازمان اوپک منجر می‌شود که در صورت گسترش این همکاری به سایر کشورهای غیر اوپک صادرکننده نفت این سازمان اوپک بتواند مقام و موقعیت گذشته خود را در صحنه بین‌المللی به دست آورد.

در صورتی که افزایش سهم کشورهای غیر اوپک در کل عرضه نفت در بازار جهانی ادامه یابد و از افزایش سهم اوپک به گونه‌ای جلوگیری شود، کنترل قطعی و مؤثر بازار در اختیار کشورهای غیر اوپک قرار خواهد گرفت و این سازمان به صورت تضعیف شده‌ای در انتظار موقعیت بهتر باقی خواهد ماند. اما، بروز این جریان بسیار ضعیف است و پیش‌بینی مجامع بین‌المللی از جمله (IEA)^۱ که در بخش‌های پیش به آن اشاره کردیم و نیز افزایش وابستگی به تولیدات اوپک در سال‌های آینده به دلیل کاهش تولیدات غیر اوپک دور از انتظار خواهد بود.

جدول ۲. سهم تولیدات کل دنیا در سال ۲۰۰۸

	تغییر در سهم (۲۰۰۷-۲۰۰۸) (درصد)	سهم از کل در سال ۲۰۰۸ (درصد)
daily barrels Thousand		
Total Middle East	۴	۳۱/۹
Total World	۰/۴	۱۰۰
European Union #	-۶/۶	۲/۷
OECD	-۴	۲۲
OPEC	۲/۷	۴۴/۸
Non-OPEC £	-۲	۳۹/۳
Former Soviet Union	۰/۲	۱۶

Source: BP, 2009.

ستون دوم جدول فوق نشان می‌دهد که تغییر در سهم تولیدات برای اعضای اوپک در سال ۲۰۰۸ نسبت به سال ۲۰۰۷ معادل ۲/۷ درصد افزایش یافته و برای سایر اعضا نیز این میزان منفی اعلام شده است. همچنین ستون آخر جدول فوق از سهم تولیدات در سال ۲۰۰۸ برای اعضای اوپک به بالاترین سطح به میزان ۴۴/۸ درصد اعلام شده که این موضوع تأکیدی بر افزایش وابستگی به تولیدات اوپک است.

۳-۸. ساختار آینده سازمان اوپک

پیش از پرداختن به بحث ساختار آینده اوپک می‌بایست این نکته را در نظر بگیریم که چرا قیمت نفت تا این اندازه به رویدادهای سیاسی وابسته شده است؟

1. International Energy Agency

شاید یکی از دلایل نوسان قیمت‌ها، ساختار جدید بازار بین‌المللی نفت باشد که پس از کسب اختیارات شرکت‌های بزرگ توسط اوپک نه فقط در زمینه قیمت‌گذاری بلکه در کل صنایع بالا دستی ایجاد گردید. فروپاشی کامل نظام امتیازات شرکت‌های خارجی در کشورهای عضو اوپک سبب گسستگی بخش بالا دستی و پایین دستی صنعت نفت شد. یکی از ویژگی‌های اساسی صنعت نفت در گذشته، وجود پیوند بنیادی میان فعالیت‌های بالادستی صنعت نفت یعنی اکتشاف، توسعه و تولید نفت و عملیات پایین دستی مانند حمل و نقل، پالایش و توزیع فراورده‌های نفتی بود. بدیهی است که ساختار سرمایه‌گذاری و هزینه در یک بخش از صنعت به بخش‌های دیگر وابسته بود و از این‌رو عرضه نفت خام با توجه به تقاضای فراورده‌های پالایش شده هماهنگ می‌شد.

صنعت نفت در دوران تسلط شرکت‌ها بر بازار نفت با این روش اداره می‌شد. اما، کشورهای اوپک با کنترل کامل صنعت نفت، این پیوند را قطع کردند. تولیدکنندگان نفت به فروشندگان نفت خام به شرکت‌ها تبدیل شدند که کنترل عملیات پایین دستی را در اختیار داشتند. به این ترتیب پس از ملی شدن صنعت نفت، این ساختار تغییر پیدا کرد و نفت به ماده‌ای که به صورت مستقیم خرید و فروش می‌شد تبدیل شد. شرکت‌های نفتی برای اینکه سودشان را در هر حالتی تأمین کنند و با توجه به افزایش حجم معاملات، ساختارهای جدیدی بر بازار نفت تحمیل کردند که بازار سلف از این دسته است. این شرکت‌ها به این موضوع توجه نکردند که نفت خام مانند سایر کالاها نیست و در هر حال نیازمند نظام تجاری متفاوت است.

همان‌گونه که ذکر شد با توجه به روند افزایش تقاضای جهانی برای نفت (که شامل رشد مصرف در کشورهای عضو اوپک نیز است) سازمان اوپک می‌بایست سطح تولیدات خود را برای سال‌های آینده افزایش دهد اما، از آن جایی که بیشتر اعضای اوپک تا این زمان به حداکثر ظرفیت خود نزدیک شده‌اند، در این صورت نمی‌توانند تولید خود را به میزان قابل توجهی افزایش دهند. کشورهایی مانند اندونزی، نیجریه، قطر و الجزایر با چنین وضعیتی مواجه خواهند شد. در رابطه با کشور الجزایر گفته می‌شود که این کشور اخیراً میادین نفتی کشف کرده است و به این ترتیب عمر ذخایر نفتی این کشور طولانی‌تر خواهد شد. اگر اکتشافات قابل توجهی در این کشورها مزبور صورت نگیرد طول عمر ذخایرشان کوتاه‌تر از آن است که بتوانند زمینه را برای توسعه جدی ظرفیت تولیدیشان فراهم کنند. در عین حال، بسیاری از این کشورها به‌ویژه اندونزی و الجزایر رشد بالای مصرف داخلی نفت را دارند و در نتیجه میزان نفت کمتری برای صادرات دارند. بنابراین، این کشورها بدون توسعه ظرفیت تولیدات نمی‌توانند تأثیر مهمی در بازار جهانی نفت بر جای بگذارند.

در مقابل عربستان، ایران، عراق، کویت، امارات متحده عربی بدنه اصلی سازمان اوپک را به دلیل داشتن ذخایر تولیدی بیشتر نسبت به سایر اعضا دارند و نقش مهم‌تری را در سیاست‌گذاری‌های سازمان ایفا می‌کنند. بنابراین، اوپک در آینده شامل اعضای محدودتری خواهد بود زیرا تولیدکنندگان کوچک طی سال‌های آینده با ادامه روند فعلی این سازمان و بهره‌برداری بیش از اندازه، نفت خود را از دست خواهند داد و از این رو نقش پنج عضو مذکور در منطقه خلیج فارس از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. البته این موضوع به سود اوپک است که با جذب اعضای جدید و مؤثر قدرت سازمان را افزایش دهد. طی دو دهه آینده، بخش اصلی افزایش تقاضای جهانی نفت متوجه این کشورها است که نشان‌دهنده قدرت آینده اوپک در خلیج فارس است. همچنان هزینه تولید در این منطقه در مقایسه با نقاط دیگر جهان پایین‌تر است. بنابراین، چنانچه این کشورها استراتژی‌های بلندمدت مطلوبی را طراحی کنند قادرند نقش خود را در بازار جهانی نفت به خوبی ایفا کنند. هدف اوپک برای نیل به رهبری قیمت‌ها می‌بایست با تنظیم استراتژی سازمان به حدی از سهم بازار تحقق یابد که متضمن قیمت‌های قابل قبول برای آنان باشد.

اهمیت نفت برای توسعه اقتصادی کشورهای مختلف جهان سبب می‌شود که سیاست‌ها و اهداف سیاسی بازیگران مختلف و آثار بسیاری تحولات بازار نفت از خود به جای بگذارد. از یک سو، اختلاف منافع تولیدکنندگان با مصرف‌کنندگان و از سوی دیگر اختلاف منافع میان گروه‌های مختلف تولیدکننده یا گروه‌های مختلف مصرف‌کننده ممکن است شرایطی را به وجود آورد که با معیارهای محض اقتصادی قابل تبیین نباشد. نابرابری‌های عظیم اقتصادی، سیاسی و نظامی بین بازیگران مختلف بازار نفت به ویژه بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تأثیر بسزایی در ساختار بازار نفت و اوپک دارد. برای تحقق وضعیت بهینه عرضه و تقاضا که در آن، سطح قیمت‌ها روند افزایشی قابل قبولی دارند لازم است که ظرفیت جمعی سازمان در سطحی بیشتر از تقاضا برای نفت اوپک باقی بماند، اما نه به میزانی که بر قیمت فشار وارد سازد. اوپک طی نیمه اول دهه ۱۹۹۰ سهم بزرگی از درآمد خود را که به آن نیاز شدیدی دارد صرف ایجاد ظرفیت مازاد کرد. در حقیقت، اوپک با سرمایه خود قیمت نفت را متزلزل کرد. این سیاست ناآگاه از سوی اوپک به ایجاد دوره‌ای از ظرفیت مازاد در سراسر دهه ۱۹۹۰ منتهی شده است. بنابراین، موضوع ضرورت مدیریت ظرفیت و کنترل ظرفیت مازاد می‌بایست از مهم‌ترین اصولی است که باید توسط این سازمان مورد توجه قرار گیرد.

همان گونه که ذکر شد پس از رویدادهای سال های (۱۹۷۴-۱۹۷۳) و افزایش نقش اوپک در بخش بالادستی و تعدیل قیمت ها، مصرف کنندگان عمده به توهّم امنیت عرضه نفت شدند و به مقابله با اوپک پرداختند. اهداف کشورهای صنعتی تنها بالابردن قدرت انعطافشان نسبت به واردات نفتی و کاهش وابستگی به واردات که هدف منطقی است نبود بلکه هدف، تضعیف اوپک و کاستن از قدرت انعطاف اعضای آن در برابر نوسان های بازار نفت بود. تلاش های مصرف کنندگان عمده برای افزایش تولید انرژی در داخل به کاهش مصرف از طریق صرفه جویی، جایگزینی و تنوع بخشیدن به منابع وارداتی، سیاست های معقولی هستند که هر کشوری در اتخاذش آزاد است. اما، برخی از موضع گیری های کشورهای صنعتی در برابر تولید کنندگان و بازار نفت متفاوت است. در اینجا به برخی موضع گیری های مختلف اشاره می کنیم که عبارتند از:

- تحریف تصویر عرضه و تقاضا در بازار نفت از طریق وضع مالیات های سنگین بر فرآورده های نفتی که در این کشورها مصرف می شوند.
- استفاده مداوم از ذخایر نفتی استراتژیک و تجاری به میزان بسیار زیاد که به راحتی قابل سوءاستفاده و فشار بر بازار است.
- برخورد ترجیحی نسبت به سود کشورهای غیر اوپک در مقابل کشورهای عضو اوپک
- خرید نفت خام تولید کنندگان غیر اوپک در مرحله اول و تبدیل اوپک به عرضه کننده

نهایی

- تبعیض در امر سرمایه گذاری در زمینه های مختلف بر ضد اوپک
- مجموعه ای از سیاست های فوق، فضای تفاهم و همکاری مفید مصرف کنندگان و تولید کنندگان را نامساعد ساخته است. با این موضع گیری ها توسط کشورهای صنعتی، واکنش بعدی اوپک نیز می تواند به یک بحران نفتی دامن زند.

باتوجه به آنچه مطرح شد، اهداف و مأموریت های سازمان اوپک که در اصل عمدتاً بر پایه تعیین سقف تولید جمعی و تعیین قیمت استوار است و می بایست مورد بازنگری قرار گیرد و مباحثی مانند نحوه سرمایه گذاری و اصول قراردادها با شرکت های خارجی، کنترل و سهمیه بندی ظرفیت تولید آینده، نظام نظارت بر تولید و عرضه و سیاست های بازاریابی هماهنگ را مورد توجه قرار دهد.

۴. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

این مطالعه با رویکرد تحلیلی به وضعیت و ساختار آینده سازمان اوپک در بازار نفت اشاره دارد که از بررسی و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر جایگاه سازمان در آینده این نتایج به دست آمده است که عبارتند از:

- تحولات داخلی اوپک می‌بایست در جهتی تکامل یابند که این سازمان از وضعیت کنونی به وضعیت با ثباتی تغییر یابد و انسجام و استحکام داخلی آن افزایش یابد. در این شرایط انتظار می‌رود که افزایش انسجام میان اعضا در رعایت دستور العمل‌های اوپک در تمام زمینه‌ها به ویژه در رعایت سهمیه‌های تولیدی از سوی اعضا به افزایش کنترل و نظارت اوپک بر بازار نفت منتهی گردد و از این رو اوپک قدرت بیشتری در هدایت روند قیمت‌ها خواهد داشت.

- در صورتی که جریان‌های سیاسی عمده‌ای در مناطق حساس نفتی و یا استراتژیک به وجود آمد و یا تحولات سیاسی داخلی در اوپک رخ دهد، جهش قیمت‌ها را موجب می‌شود. گسترش بی‌ثباتی‌های سیاسی در داخل کشورهای عضو اوپک و حتی میان اعضای آن منجر به تضعیف قدرت سازمان می‌شود و به این ترتیب از قدرت سیاستگذاری‌های اوپک برای کنترل و هدایت بازار و قیمت‌ها در برابر آشفتگی‌های بازار می‌کاهد. از سوی دیگر، گسترش بی‌ثباتی‌های سیاسی در بازار و در بین اعضای اوپک به عنوان دارنده بزرگترین ذخایر نفتی دنیا به دلیل افزایش نگرانی از سوی مصرف‌کنندگان منجر به افزایش و حتی جهش قیمت‌ها می‌شود. همچنین روندهای افسارگسیخته قیمت‌ها هم در جهت کاهش و هم در جهت افزایش زمینه بروز بی‌ثباتی‌های بیشتر است و بر مشکلات بی‌ثباتی گذشته می‌افزاید.

- امکان کاهش قدرت اوپک و انحلال آن: در شرایطی که قیمت‌ها سقوط کرده تولید اوپک به سرعت افزایش می‌یابد و سهم اوپک در مجموع تولید جهانی نیز افزایش خواهد یافت.^۱ بدیهی است در این صورت، اتکای بازار به نفت کشورهای عضو اوپک بیشتر خواهد شد و خروج تعداد زیادی از تولیدکنندگان بازار منجر به افزایش شدید قیمت‌ها خواهد شد. برای مقابله با این شرایط، برنامه‌ریزی‌های فعلی سازمان اوپک می‌بایست بر مبنای تقویت جایگاه این سازمان در آینده بنا شود و تنها در این صورت است که این سازمان دارنده بزرگترین ذخایر نفتی جهان می‌تواند از این منبع انرژی جهان منافع کافی و لازم را هم به لحاظ ابعاد اقتصادی و به لحاظ ابعاد سیاسی برای خود و اعضایش جلب کند. این هدف مهم تنها از طریق سرمایه‌گذاری‌های فعلی برای گسترش تولیدات

۱. با توجه به هزینه تولید پایین کشورهای عضو و خارج شدن تولیدکنندگان از بازار.

در آینده و مدیریت صحیح مخازن از سوی اعضای اوپک برای حفظ و کنترل سطح تولیدات در آینده محقق می‌شود.

• اوپک تنها نهادی است که می‌تواند بحران‌های ناشی از عرضه و قیمت را در بازار جهانی نفت به نحو مؤثری مدیریت کند. با این وجود، ساختار بازار جهانی نفت و روابط اوپک و غیراوپک به گونه‌ای است که نتایج اقدامات اوپک در مدیریت بحران قیمت، معمولاً به سود مصرف‌کنندگان بزرگ نفت در کشورهای پیشرفته صنعتی و تولیدکنندگان غیراوپک است. در این شرایط و تا آینده قابل پیش‌بینی کشورهای بزرگ صنعتی نمی‌توانند بدون اوپک به هدف اصلی خود یعنی تنوع بخشی به عرضه برای تأمین امنیت عرضه برسند و در نتیجه، وجود اوپک تا آینده قابل پیش‌بینی برای هدایت بازار نفت ضروری است.

منابع

- درخشان، مسعود (۱۳۸۱)، "اوپک و منافع ملی"، نشریه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۴، صص ۲۳۴-۱۸۹.
- درخشان، مسعود (۱۳۸۱)، "منافع ملی و سیاست‌های بهره‌برداری از منابع نفت و گاز"، نشریه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۴، صص ۶۶-۱۳.
- شکاری، مهری (۱۳۸۷)، تأثیر ظرفیت‌های مازاد تولید بر روی رفتار اوپک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر مسعود درخشان و دکتر سید احمد رضا جلالی نائینی، دانشگاه الزهرا.
- مزرعتی، محمد (۱۳۸۶)، "امنیت انرژی، دو روی یک سکه: امنیت عرضه و امنیت تقاضای انرژی"، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۷۱-۸۷.

- Abosendra, S. & H. Baghestani (2004), "On the Predictive Accuracy of Crude Oil Production Futures Prices", *Energy Policy*, Vol. 23, No. 4, PP. 12-28.
- Cunado, J. & F. Perez De Garcia (2005), "Oil Prices, Economic Activity and Inflation: Evidence for Some Asian Countries", *The Quarterly Review of Economics and Finance*, Vol. 45, PP. 65-83.
- Ezzati, A. (1976), "Future OPEC Price and Production Strategies as Affected by its Capacity to Absorb Oil Revenues", *European Economic Review*, Vol. 8, No. 2, PP. 112-129.
- Fisher, D. Galty & D. Kyle (1975), "The Prospect for OPEC: a Critical Survey of Models of the World Oil Market", *Economics*, Vol. 2, PP. 363-386.
- Hamilton, J.D. (1983), "Oil and the Macroeconomy Since World War I", *Journal of Political Economy*, Vol. 91, PP. 228-248.
- Johany, A. D. (1979), "OPEC and the Price of Oil: Cartelization or Alteration of Property Rights", *The Journal of Energy and Development*, Vol. 5, No. 1, PP. 72-80.

- Jones, C. (1990), "OPEC Behavior Under Falling Prices: Implications for Cartel Stability", *The Energy Journal*, Vol. 11, No. 3, PP. 117-129.
- Jimenez-Rodriguez, R. & M. Sanchez (2005), "Oil Price Shocks and Real GDP Growth: Empirical Evidence for Some OECD Countries", *Applied Economics*, Vol. 37, PP. 201-228.
- Kaufman R. K., Dees, P. Karadeloglou & M. Sanchez (2004), "Dose OPEC Matter? An Econometric Analysis of Oil Prices", *The Energy Journal*, Vol. 25, No. 4, PP. 67-90.
- Killian, L. (2007), "The Economic Effects of Energy Price Shocks", *Journal of Economic Literature*, Vol. 13, PP. 35-54.
- Kilian, L. (2008), "Exogenous Oil Supply Shocks: How Big are They and How Much do They Matter for the US Economy?", *Review of Economics and Statistics*, Vol. 90, PP. 216-240.
- Lee, B.R., Lee & K. Ratti (2001), "Monetary Policy, Oil Price Shocks, and Japanese Economy", *Japan and the World Economy*, Vol. 13, PP. 321-349.
- Macavoy, P. (1982), "Crude Oil Prices as Determined by OPEC and Market Fundamentals", Ballinger Publishing Company, Cambridge, MA.
- Matutes, C. (1988), *The Center of OPEC: an Econometric Analysis*, Memo, Department of Economics, University Of California, Berkeley.
- Wirl, F. & A. Kunjundzic (2004), "The Impact of OPEC Conference Outcome on World Oil Prices (1984-2001)", *The Energy Journal*, Vol. 25, No. 1, PP. 45-62.